Archive of SID

فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی/ سال هفدهم/ شماره ۶۵ / پاییز ۱۴۰۰/ صفحات ۲۴۳ - ۲۱۳

همگرایی مفهوم عدالت فقهی در فقه مذاهب اسلامی[1]

علمی- پژوهشی

رامین فغانی *

محمدمهدی زارعی **

سعید ابراهیمی ***

چکیده

به گواهی میراث مکتوب فقه اسلامی، بسیاری از احکام و فروع فقهی، به عدالت، مشروط است. این واقعیت، اهمیت و ضرورت تعریف و مفهوم شناسی عدالت فقهی را اهمیت و ضرورت می‌بخشد؛ از این رو، فقهاء مذاهب اسلامی (شیعه، مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی)، درباره‌ی مفهوم شناسی عدالت در فقه، با عبارات متعدد و متفاوت، اظهارنظر کرده‌اند و در نتیجه، ادبیات فقه اسلامی، تعاریف متعددی را برای عدالت فقهی، بیان می‌دارد. نوشتار پیش رو، تعریف عدالت را در فقه مذاهب اسلامی می‌جوید و ماهوی و واقعی بودن و یا ظاهری و عارضی بودن اختلاف بین این تعاریف را می‌کاود و با رویکردی تقریب‌گرایانه، این گمانه را به محک بررسی می‌نشیند که تعاریف به ظاهر متفاوت از عدالت در ادبیات فقه اسلامی، محصول شیوه‌ی بیان و هماهنگی با ادبیات رایج در هر مذهب فقهی است و با استناد به توضیحات فقیهان هر یک از مذاهب اسلامی (شیعه، مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی)، به تحلیل عمده‌ترین تعاریف عدالت فقهی روی می‌آورد که در کتب فقهی مسطور است و در پایان پژوهش، به این نتیجه دست می‌یابد که همه‌ی تعاریف بیان شده برای عدالت فقهی، در مذاهب اسلامی، بر مفهومی واحد، همگرا و دارای اتفاق هستند و از این رو، عدالت، در ادبیات فقه مذاهب اسلامی، تنها، دارای یک معنی است؛ امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر. اما می‌توان گفت در باب معاملات عدالت نفسانی حداقلی شهود و در ابواب مربوط به قضاء، حدود و قصاص عدالت نفسانی حداکثری مورد توجه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: عدالت، عدالت فقهی، همگرایی مفهوم عدالت، تعریف عدالت در فقه فریقین.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۸/۱۱/۲۴) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۴/۰۴)

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
mz14513543@yahoo.com

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

توجه به قابلیت و کارآمدی پژوهش‌های تقریب‌گرایانه در حل برخی از مشکلات علمی، رفع و یا توجیه شماری از اختلافات و نیز فراهم‌سازی امکان و زمینه‌ی همگرایی بین دیدگاه‌های مذاهب اسلامی، اهمیت بررسی موضوعات فقهی با رویکرد تقریب گرایانه را هویدا می‌سازد.

حضور و مداخله‌ی عدالت در شمار چشمگیری از فروع و احکام فقهی، توجیه‌کننده‌ی اهمیت و ضرورت مفهوم‌شناسی عدالت فقهی، در ادبیات فقه اسلامی است. بررسی میراث مکتوب فقه اسلامی، از وجود تعاریفی متعدد، برای عدالت فقهی، گزارش می‌دهد. مطالعه‌ی نوشته‌های فقهی فقیهان شیعه و چهار مذهب فقهی رایج اهل سنت: شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی، نشان می‌دهد که هر یک از فقیهان مذکور، وفق ادبیات مذهب فقهی خود، تعریف یا تعاریفی برای عدالت فقهی، بیان می‌دارند که نوعاً و به ظاهر، با تعریف یا تعاریف مذهب فقهی دیگر، متفاوت است.

التفات به تعدد و تفاوت تعاریفی که فقیهان مذاهب اسلامی، برای عدالت فقهی، بیان می‌دارند، پرسش از منشأ این تعدد و تفاوت را پیش روی می‌نهد؛ اینکه تعاریف مذکور، دارای تفاوتی ماهوی و واقعی هستند و یا حدودی به ظاهر متفاوت هستند که تفاوت آن‌ها از شیوه‌ی بیان و التزام به هماهنگ بودن با ادبیات رایج مذهب فقهی، ناشی است که در فرض اخیر، می‌توان همه‌ی این تعاریف را به یک یا چند تعریف مورد اتفاق برگرداند و به همگرایی مذاهب اسلامی در تعریف عدالت فقهی دست یافت و از تعریف و یا تعاریفی رسمی و معیار، برای عدالت فقهی، در ادبیات فقه مذاهب اسلامی سخن راند و بدین طریق، امکان همگرایی مفهوم عدالت فقهی را در فقه مذاهب اسلامی سنجید؛ از این رو، جستار حاضر، در پژوهشی بنیادی، به روش توصیفی و با رویکردی تقریب‌گرایانه، در پی بیان و تحلیل مفهوم عدالت در ادبیات فقه هر یک از مذاهب اسلامی (شیعه، مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی) همگرا بودن تعاریف عدالت را در فقه مذاهب اسلامی نمایان می‌دارد.

۲- مفهوم عدالت در فقه مذاهب اسلامی

از آنجا که شناخت منشأ تعدد تعاریف عدالت در نوشته‌های فقهی فقیهان مذاهب اسلامی و دریافت واقعی یا ظاهری بودن تفاوت این تعاریف و نیز امکان سنجی همگرایی مفهوم عدالت فقهی در فقه مذاهب اسلامی، به بیان تعریف عدالت فقهی در میراث مکتوب فقه اسلامی وابسته است، ذیلاً، در ابتداء،

www.SID.ir

Archive of SID

تعریف عدالت در فقه شیعه و چهار مذهب فقهی رایج اهل سنت: شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی، بیان می‌گردد و در پی آن، با نگاهی تقریبی، تفاوت و تعدد این تعاریف، بررسی و امکان همگرایی مفهوم عدالت فقهی در فقه مذاهب اسلامی سنجیده می‌شود.

۲-۱- فقه شیعه

بررسی نوشته‌های فقهی فقیهان شیعه از وجود پنج تعریف متفاوت، برای عدالت فقهی، گزارش می‌دهد: ملکه‌ی نفسانی، استقامت فعلی ناشی از ملکه، صرف استقامت فعلی، اسلام و عدم ظهور فسق، و حُسن ظاهر (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۳۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۳، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۴؛ انصاری، ۱۴۱۴، ۵ ـ ۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۳، ۵۰ ـ ۵۱؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۵۲ ـ ۲۵۳؛ ۱۴۱۱، ۱۶۵؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ۱، ۵۳؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۲، ۲۲۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۲، ۲۳۲ ـ ۲۳۳؛ اردکانی، ۱۴۰۲، ۹۹ ـ ۱۰۰).

۲-۱-۱- ملکه‌ی نفسانی

در نوشته‌های فقهی فقیهان امامیه، تعریف عدالت به ملکه‌ی نفسانی، به مشهور، یا مشهور متأخرین منسوب است (موسوی قزوینی، ۱۴۱۹، ۷۰؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۳۰، ۱، ۴۶؛ طباطبائی بروجردی، بی‌تا، ۳، ۲۲۶؛ موسوی خویی، ۱۴۱۱، ۱۶۵؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳، ۱، ۴۳؛ مؤمن قمی، ۱۴۲۲، ۵۲۳).

فقیهانی که عدالت را وصف نفس عادل می‌دانند و آن را ملکه‌ی نفسانی می‌خوانند، عدالت فقهی را با عباراتی همانند: ملکه‌ای که آدمی را به انجام واجبات و ترک محرمات بر می‌انگیزاند و از معصیت الهی باز می‌دارد؛ ملکه‌ی رادع از ارتکاب معصیت و باعث بر ملازمت بر تقوا و مروّت؛ کیفیتی نفسانی که آدمی را بر ملازمت تقوی وا می‌دارد؛ هیأت راسخه‌ی نفسانی که آدمی را بر ملازمت تقوی و مروّت بر می‌انگیزاند؛ حالت راسخ درونی که سبب ملازمت آدمی بر تقوی و مروّت می‌شود و... تعریف می‌کنند و نوعاً، معصیت و تقوای مذکور در تعریف عدالت فقهی را به امتثال واجبات، اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر ارتکاب گناهان صغیره، تفسیر می‌کنند و ملازمت بر مروّت را نه جزء دخیل در مفهوم عدالت فقهی بلکه از امور بیرونی مؤثر در تحقق عدالت فقهی می‌دانند که فقدان آن، مانع تحقق عدالت است (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۱۵۶؛ ۱۴۲۰، ۵، ۲۴۶ ـ ۲۴۷؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ۴، ۴۲۰؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ۲، ۱۲۵؛ شهید ثانی،

www.SID.ir

Archive of SID

۱۴۰۲، ۲، ۷۶۷؛ ۱۴۱۰، ۱، ۷۹۲ ـ ۷۹۳؛ ۳، ۱۲۸ ـ ۱۳۰؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ۴، ۶۷).

اندک درنگ در تعریف عدالت به ملکه‌ی نفسانی و تفسیر بیان شده برای مفردات آن، آشکار می‌سازد که تعریف عدالت فقهی به ملکه‌ی نفسانی، بر دو جزء یا دو عنصر استوار است؛ یکی، خود ملکه است که امری نفسانی است و دیگری، امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر است که در اثر انگیختگی از ملکه‌ی نفسانی، نمود خارجی می‌یابد و توصیف نفس عادل را به عدالت فقهی، سبب می‌شود و البته، امری غیر از ملکه‌ی نفسانی است؛ بنابراین، تحلیل تعریف عدالت به ملکه‌ی نفسانی، نشان می‌دهد که جزء دوم این تعریف، دارای دو حیث است؛ یکی، حیث مفهومی که انگیخته‌ی ملکه نیست و توصیف نفس عادل را به عدالت فقهی، سبب نمی‌شود و دیگری، حیث مصداقی و نمود بیرونی است که در تعریف عدالت به ملکه‌ی نفسانی، ملحوظ و مشهود است؛ چنانکه استخدام و همراه‌سازی اوصافی همانند: باعث، مانع و مقتضی، در تعریف عدالت فقهی به ملکه‌ی نفسانی نیز ظاهر و نمایان در همین معنی است؛ از این رو، مفهوم عدالت فقهی، چیزی جز امتثال واجبات، اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر ارتکاب گناهان صغیره، نیست که در تعریف عدالت فقهی به ملکه‌ی نفسانی، از نمود بیرونی و مصداق خارجی آن، سخن می‌رود که از ملکه‌ی نفسانی، انگیخته می‌شود و توصیف نفس عادل را به عدالت فقهی، سبب می‌شود. از آنجا که مفهوم و مصداق، دو حیث یک واقعیت هستند و حیث مصداقی از حیث مفهومی، منفک و جدا نیست، در تعریف عدالت به ملکه‌ی نفسانی نیز عدالت فقهی، همان امتثال واجبات، اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر ارتکاب گناهان صغیره است که به حمل شایع، وصف نفس است؛ در نتیجه، تعریف عدالت فقهی به ملکه‌ی نفسانی با تعریف عدالت فقهی به امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر، همگرا و فاقد تفاوت ماهوی است.

به نظر می‌رسد، فقیهانی که ترکیب واژگانی: ملکه‌ی نفسانی را در تعریف عدالت فقهی به کار می‌برند و با امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر، همراه می‌کنند و سبب تفاوت ظاهری تعریف عدالت به ملکه نفسانی را با دیگر تعاریف می‌آفرینند، به پاسخِ پرسش از موصوف و متعلق عدالت فقهی نظر دارند؛ اینکه عدالت، صفت نفس و امری نفسانی است و یا صفت فعل و امری ارتکابی و رفتاری است؛ پرسشی پسینی که در پی تعریف و تبیین مفهوم عدالت فقهی، خود نمایی می‌کند؛ بنابراین، فقیهان مذکور، در تعریف خود، مترصد بیان این سخن هستند که عدالت به حمل شایع، وصف نفس است و نه اینکه مفهوم عدالت فقهی، نزد آنان چیزی غیر از امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب

www.SID.ir

Archive of SID

صغائر است.

۲-۱-۲- استقامت فعلی ناشی از ملکه‌ی نفسانی

تعریفِ عدالت فقهی به استقامت فعلی ناشی از ملکه‌ی نفسانی، دارای دو عنصر اساسی: استقامت فعلی و ملکه‌ی نفسانی است؛ برای تحقق عدالت و اتصاف به آن، صرف استقامت فعلی ـ یعنی: امتثال واجبات و اجتناب از محرمات و معاصی الهی ـ کافی نیست؛ بلکه تحقق عدالت و اتصاف به آن، به امتثال و اجتنابی وابسته است که با ممارست درگذر زمان، ملکه‌ی نفسانی گردد و آن گاه، امتثال و اجتناب، از آن ملکه‌ی حاصل از ممارست، نشأت یابد؛ از این رو، تعریف مذکور، عدالت را بروزها و نمودهای بیرونی ملکه‌ی نفسانی، یعنی: امتثال واجبات و اجتناب از محرمات و معاصی الهی می‌داند؛ نه خود ملکه نفسانی (انصاری، ۱۴۱۴، ۷).

تعریف عدالت فقهی، به استقامت فعلی ناشی از ملکه با تعریف به ملکه‌ی نفسانی، به جهت اشتراک هر دو تعریف، در ملکه‌ی مقترن به عمل، همگرا هستند و تفاوت بین آن‌ها، ظاهری و محصول نحوه بیان است؛ چه اینکه در هر دو تعریف، ملکه، سبب و مقتضی امتثال واجبات و اجتناب از محرمات و معاصی الهی است؛ تعریف عدالت فقهی به ملکه‌ی نفسانی، ملکه را سبب و مقتضی برای عمل معرفی می‌کند و تعریف عدالت فقهی به استقامت عملی ناشی از ملکه نیز عمل را مسبب و مقتضی برای ملکه‌ای نفسانی می‌داند که آن ملکه، خود، سبب تحقق عدالت است (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۵۲ ـ ۲۵۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۲، ۲۳۳).

۲-۱-۳- صرف استقامت فعلی

به گواهی برخی از کتب فقهی، تعریف عدالت، به صرف استقامت فعلی، از تعریف به ملکه‌ی نفسانی، اشهر است (سبزواری، ۱۴۲۳، ۱، ۱۳۸). واژه‌ی: صرف، از این رو با استقامت فعلی، همراه است، تا دانسته شود که استقامت فعلی، از ملکه، ناشی نیست (انصاری، ۱۴۱۴، ۷؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۵۳).

فقیهانی که عدالت فقهی را به استقامت فعلی، تعریف می‌کنند، استقامت فعلی را با عباراتی مانند: اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر؛ مجرد ترک معاصی، اعم از کبائر و صغائر؛ صرف ترک کبائر، عدم إخلال به واجبات و عدم رکوب قبائح؛ نفس قیام به وظایف شرعی؛ اجتناب از جملگی قبایح، اعم از کبائر

www.SID.ir

Archive of SID

و صغائر، به امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر، بیان می‌دارند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲، ۱۱۷؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ۲۳۰؛ حلبی، ۱۴۰۳، ۴۳۵؛ حلی، ۱۴۰۵، ۵۳۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۲، ۳۱۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۱، ۱۳۸؛ ۲، ۷۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۳، ۲۸۵؛ انصاری، ۱۴۱۴، ۷؛ آشتیانی، ۱۴۲۵، ۱، ۱۹۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۵۳، ۲۵۷؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ۱، ۵۳؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۲، ۲۲۶)؛ از این رو، عدالت فقهی، نزد این فقیهان، صفت فعل است و مفهوم آن نیز امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر است.

۲-۱-۴- اسلام و عدم ظهور فسق

تعریف عدالت فقهی، به اسلام و عدم ظهور فسق، دارای دو جزء است یکی، اسلام و دیگری، عدم ظهور فسق که از واژه‌ی فسق، معصیت و ارتکاب محرمات الهی، مراد است؛ از این رو، تا هنگامی که از مسلمان، ترک واجبات و ارتکاب محرمات و معصیت الهی، نمایان نشود، می‌توان او را عادل خواند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۱۸؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۳۷؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۸، ۲۶۰).

هر چند در برخی از کتب فقهی، تعریف عدالت، به اسلام و عدم ظهور فسق، به متقدمین و قدماء فقها امامیه، منسوب است (سبزواری، ۱۲۴۷، ۲، ۳۰۵؛ بهبهانی، ۱۴۲۴، ۱، ۴۲۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۰، ۱۸)، ولی، عبارات هیچ یک از فقیهان امامیه، در این معنی ظهور ندارد که اسلام و عدم ظهور فسق، تعریف عدالت فقهی است؛ بلکه تنها، یکی از راه‌های کشف عدالت است (انصاری، ۱۴۱۴، ۸، ۲۴).

۲-۱-۵- حسن ظاهر

در تعریف عدالت فقهی به حُسن ظاهر، مراد از حُسن ظاهر، این نیست که اگر مسلمانی، صرفاً، از ظاهری وجیه برخوردار است، بتوان او را به عدالت، توصیف کرد؛ بلکه هنگامی می‌توان وی را عادل خواند که حُسن ظاهر، به طریقی شرعی، مانند: مشاهده‌ی به دفعات امتثال واجبات و اجتناب از محرمات، احراز گردد؛ چه اینکه بسا انسان‌های فاسق که به ظاهر، صالح و وجیه هستند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۰، ۲۳ ـ ۲۴؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۷۴۵؛ بهبهانی، ۱۴۲۴، ۱، ۴۲۸ ـ ۴۲۹، ۴۴۴؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۴۴؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۸، ۲۶۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۳، ۲۸۸، ۲۹۰؛ انصاری، ۱۴۱۴، ۸؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۵۳).

www.SID.ir

Archive of SID

اگر چه در بعضی از کتب فقهی (بهبهانی، ۱۴۲۴، ۱، ۴۲۹-۴۳۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۸، ۲۶۸؛ انصاری، ۱۴۱۴، ۸؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ۱، ۵۳)، تعریف عدالت فقهی به حُسن ظاهر، به قدماء فقیهان امامیه و اکثر متأخری المتأخرین (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۰، ۲۳؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۸، ۲۶۸ ـ ۲۶۹؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۴۴) منسوب است، ولی در کلام هیچ یک از فقها مذکور، تعریف عدالت فقهی به صرف حسن ظاهر، تصریح نشده است؛ بلکه ظاهر در این است که حسن ظاهر، یکی از راه‌های کشف عدالت فقهی است (انصاری، ۱۴۱۴، ۸،۲۴).

بنابراین، گزارش مذکور، آشکار می‌دارد که در فقه امامیه، تمام تعاریف عدالت فقهی، همگرا و به معنای امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر است؛ چه اینکه حیث مفهومی در تعریف عدالت فقهی، به ملکه‌ی نفسانی و استقامت فعلی ناشی از ملکه‌ی نفسانی، امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر است؛ همان گونه که استقامت فعلی نیز به همین معنی است. اگر عدم ظهور فسق و حُسن ظاهر، راه‌های احراز عدالت شمرده نشوند، تعریف عدالت فقهی به هر یک از آن‌ها، به امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر، ناظر و معطوف است؛ چه اینکه عدم امتثال واجبات، ارتکاب و عدم اجتناب از کبائر و اصرار بر ارتکاب صغائر، از مصادیق آشکار ظهور فسق است و حسن ظاهر، با مشاهده‌ی به دفعات امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر، احراز می‌گردد.

آری؛ اگر عدم ظهور فسق و حُسن ظاهر، راه‌های احراز عدالت فقهی و نه معرِّف مفهوم آن، به شمار آیند و تحلیل بیان شده برای حیث مفهومی در تعریف عدالت فقهی به ملکه‌ی نفسانی، پذیرفته نشود، تعریف عدالت در فقه شیعه، به دو تعریف: ملکه نفسانی و صرف استقامت فعلی، محصور است (انصاری، ۱۴۱۴، ۸، ۱۰، ۲۴؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۱، ۲۵۲ ـ ۲۵۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۴، ۲۳۳) که در اخذ امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر، در تعریف عدالت فقهی، مشترک هستند.

البته، در جمع بین دو دیدگاه مذکور، می‌توان از عدالت نفسانی حداقلی، در امور حقوقی و مدنی، مسائلی مانند شهادت، سخن راند؛ یعنی: بدین مقدار که فرد در اثر تعهد دینی، حسب عادت به انجام گناه تمایلی ندارد و از آن پرهیز می‌کند، برای تحقق عدالت، کافی است، ولی در امور جزائی و کیفری و مسائلی مانند قضاء، با توجه به خطیر بودن مقام قضاوت و اهمیت امور کیفری و قضائی، درجه‌ای بالاتر از عدالت حداقلی نفسانی، نیاز است که از آن به عدالت نفسانی حداکثری می‌توان نام برد؛ بر این اساس،

www.SID.ir

Archive of SID

عدالتی که منظور است دارای شرایطی متمایز و سختگیرانه‌تر از عدالت ملحوظ در امور حقوقی و مدنی است؛ زیرا در پرتو تحقق چنین عدالتی است که قاضی و دیگر مقامات ذیصلاح قضایی از کجروی، به دور می‌مانند و جان، ناموس، مال و حیثیت و آبروی مردم از تعرض، در مصونیت است و امکان پیشگیری از انحراف و تجاوز به حقوق مردم می‌رود یعنی: در صورت اشتراط عدالت در قضایای ابواب فقه، باید مراد از عدالت را با توجه به خصوصیت قضایای آن باب تعیین و تفسیر کرد؛ هنگامی که در متون فقه، مسائل حقوقی و مدنی، موضوع بحث است و از شرط عدالت در آن‌ها سخن می‌رود، به عدالت نفسانی حداقلی بسنده می‌شود، ولی در مسائل جزایی و کیفری که در آن‌ها جان، ناموس، مال و حیثیت و آبروی مردم، مطرح است، عدالت نفسانی حداکثری منظور است (ایزدی فرد، کاویار، ۱۳۸۹، ۹۶، ۹۸ ـ ۹۹).

۲-۲- فقه مالکی

بررسی کتاب المدونهٔ الکبری و دیگر کتب فقهی مذهب مالکی، تعریفی از مالک بن أنس ـ امام مذهب فقهی مالکی ـ برای عدالت فقهی، گزارش نمی‌دهد.

برخی از فقها مالکی، عدالت فقهی را التزام به انجام واجبات و مستحبات شرعی و اجتناب از محرمات و مکروهات، تعریف می‌کند (ابن رشد الحفید، ۱۴۲۵، ۴، ۲۴۵)؛ برخی دیگر، عدالت را به میانه‌روی در احوال دینی، معنا می‌کنند؛ به اینکه عادل، فردی است که امانت‌داری او نمایان است، به پاکدامنی از ارتکاب محارم و پرهیز از کبائر و صغائر، و حسن معاشرت و معامله، معروف و متصف است (ابن شاس، ۱۴۲۳، ۳، ۱۰۳۱؛ ابن عبد البر، ۱۳۹۸، ۲، ۸۹۲؛ قرافی، ۱۴۱۶، ۱۰، ۲۰۱؛ ابن جَلاّب، ۱۴۲۸، ۲، ۲۴۷؛ ابن عسکر، بی‌تا، ۱، ۱۱۹؛ قاضی عبد الوهاب، بی‌تا، ۱، ۱۵۱۸ ـ ۱۵۱۹)؛ و برخی نیز مفهوم عدالت را محافظت دینی بر اجتناب از کبائر، پرهیز از صغائر، دوری از رذایل، اداء امانت و حسن معامله می‌دانند (ابن رشد قرطبی، ۱۴۰۸، ۱۰، ۸۱؛ موّاق مالکی، ۱۴۱۶، ۸، ۱۶۲؛ ابن اسحاق جندی، ۱۴۲۹، ۷، ۴۶۱؛ دَمِیری، ۱۴۲۹، ۲، ۸۴۶؛ قرافی، ۱۴۱۶، ۱۰، ۲۰۱؛ حطّاب رُعینی، ۱۴۱۲، ۸، ۱۶۲؛ دسوقی، بی‌تا، ۴، ۱۶۵).

درنگ در تعاریف مذکور، این واقعیت را آشکار می‌سازد که همه‌ی این تعاریف، از مفهوم واحدی حکایت می‌کنند و اختلاف بین آن‌ها، تنها و تنها، در تعبیر و شیوه‌ی بیان، به اجمال و تفصیل است و از این رو، می‌توان گفت: در فقه مالکی، مفهوم عدالت فقهی، امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر است؛ چه اینکه قید محافظت دینی، ناظر بر رد ریا است که در شمار کبائر است و ذکر اداء امانت،

www.SID.ir

Archive of SID

به اعتبار ضد آن ـ یعنی: خیانت در امانت ـ است که آن هم در زمره‌ی کبائر قرار دارد و قیود حسن معامله و دوری از رذائل نیز از لوازم انصاف است که فقدان آن به کبیره و یا صغیره‌ای می‌انجامد که قادح عدالت است (قاضی عبد الوهاب، بی‌تا، ۱، ۱۵۲۷ ـ ۱۵۲۸؛ ابن اسحاق جندی، ۱۴۲۹، ۷، ۴۶۱ ـ ۴۶۳) و مراد از محافظت بر ترک صغائر، اکثار صغائر و ارتکاب صغائر خسیس و غیر قلیل است که خود، بیانی دیگر از اصرار بر صغائر است (ابن رشد قرطبی، ۱۴۰۸، ۱۰، ۸۱؛ ابن اسحاق جندی، ۱۴۲۹، ۷، ۴۶۳؛ حطّاب رُعینی، ۱۴۱۲، ۸، ۱۶۲ ـ ۱۶۳).

به استناد همین تعریف، فقیهان مالکی مذهب، تصریح می‌دارند: توصیف به عدالت، به معنای محو شدن در طاعت الهی و انتفاء شائبه‌ی ارتکاب معصیت نیست؛ زیرا چنین چیزی عادتاً، برای غیر صدیقین و اولیاء الهی، امری متعذر و غیر مقدور است؛ عادل، کسی است که در اغلب و اکثر احوال خود بر طاعت الهی است؛ از ارتکاب کبائر اجتناب دارد و بر ترک صغائر، محافظت می‌ورزد (ابن شاس، ۱۴۲۳، ۳، ۱۰۳۲؛ حطّاب رعینی، ۱۴۱۲، ۸، ۱۶۲؛ موّاق مالکی، ۱۴۱۶، ۸، ۱۶۲؛ قرافی، ۱۴۱۶، ۱۰، ۲۰۱؛ ابن اسحاق جندی، ۱۴۲۹، ۷، ۴۶۴)؛ از این رو، به هنگام بحث از عدالت شاهد، به وضوح، بیان می‌دارند: صرف نفس کذب و دروغ، قادح عدالت و نافی شهادت نیست؛ بلکه تنها، کثرت دروغ، اشتهار به دروغگویی و یا بیان دروغی که مفسده عظیمی بر آن، مترتب است، قادح عدالت و نافی شهادت است؛ کسی که به ندرت دروغ می‌گوید، نه از عدالت خارج است و نه می‌توان به عدم پذیرش شهادت وی حکم داد؛ چه اینکه دروغ به ندرت و اندک، امری متعذر و پرهیز همواره و همیشگی از آن، برای توده‌ی مردمان، متعسر است (ابن عبد البر، ۱۳۹۸، ۲، ۸۹۲؛ دَمِیرِی، ۱۴۲۹، ۲، ۸۴۶؛ زُرْقانی، ۱۴۲۲، ۷، ۲۹۱؛ حطّاب رُعینی، ۱۴۱۲، ۸، ۱۶۲، ۱۶۳؛ دسوقی، بی‌تا، ۴، ۱۶۵– ۱۶۶).

از التفات به تعریف عدالت فقهی، به اجتناب از کبائر و محافظت بر ترک صغائر، به دست می‌آید که فقیهان مالکی، عدالت را صفتی درونی و ملکه‌ی نفسانی نمی‌دانند؛ بلکه آن را صفت فعل می‌شمارند. همچنین، این تعریف، با تعریف فقیهان امامیه، از عدالت فقهی، به استقامت فعلی بر اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر، همگرا است.

۲-۳- فقه حنفی

بررسی کتب فقهی فقیهان حنفی مذهب، تعریفی از ابوحنیفه ـ امام مذهب حنفی ـ برای عدالت

www.SID.ir

Archive of SID

فقهی، گزارش نمی‌دهد.

در کتب فقهی حنفیان، به طور شایع، عدالت فقهی، به اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر، تعریف می‌شود و عادل، کسی است که از ارتکاب کبیره اجتناب می‌ورزد و بر ارتکاب صغیره، مُصرّ نیست (ابن مازَه، ۱۴۲۴، ۸، ۳۱۱– ۳۱۲؛ ابن مودود موصلی، ۱۳۵۶، ۲، ۱۴۹؛ شیخی زاده، بی‌تا، ۲، ۲۰۱؛ حَصْکَفِی، ۱۴۲۳، ۴۸۷؛ ابن عابدین، بی‌تا، ۷، ۸۶؛ ۱۴۱۲، ۵، ۴۷۳؛ شُرُنْبُلالِیّ، بی‌تا، ۲، ۳۷۶ ـ ۳۷۷؛ عینی، ۱۴۲۰، ۹، ۱۵۵).

البته، گاه، عدالت فقهی، به استقامت در جاده اسلام و اعتدلال عقل تعریف می‌شود؛ استقامتی که ترجیح جهت دین و عقل، بر شهوت و هوای نفس است و مکلف را از لغزش به سوی گمراهی، شهوات و هوای نفس باز می‌دارد (سرخسی، ۱۴۱۴، ۱۶، ۱۲۱؛ ابن ابی عز، ۱۴۲۴، ۴، ۴۱۵؛ سمرقندی، ۱۳۸۶، ۲۲۲؛ زَیْلَعِی، ۱۳۱۳، ۴، ۲۲۵ ـ ۲۲۶؛ ابن نجیم، بی‌تا، ۷، ۹۵؛ ابن عابدین، قرۀ عین الأخیار، ۷، ۵۲۸).

گاهی نیز عدالت فقهی، به غلبه حسنات بر سیّئات، و یا اجتناب از کبائر، انجام فرائض و غلبه حسنات بر سیّئات، تعریف می‌شود و عادل، کسی است که از ارتکاب کبائر و فواحش، به دور و منزه است و محاسن وی، بیشتر از مساوی و معاصی او است (کاسانی، ۱۴۰۶، ۶، ۲۶۸؛ ابن مازَه، ۱۴۲۴، ۸، ۳۱۱؛ ملا خسرو، بی‌تا، ۲، ۳۷۲؛ مَرْغینانی، بی‌تا، ۳، ۱۲۴؛ عینی، ۱۴۲۰، ۹، ۱۵۵ ـ ۱۵۶؛ ابن عابدین، قره عین الأخیار، ۷، ۵۲۸؛ سُغدی، ۱۴۰۴، ۲، ۷۷۶؛ زَیْلَعِی، ۱۳۱۳، ۴، ۲۲۵؛ ابن مازَه، ۱۴۲۴، ۸، ۳۱۱؛ شِلْبِیّ، ۱۳۱۳، ۴، ۲۲۵؛ حدادی، ۱۳۲۲، ۲، ۲۳۲؛ میدانی، بی‌تا، ۴، ۶۴).

دو تعریف اخیر که از کتب فقه فقیهان حنفی، برای عدالت، بیان گردید، تعبیرات متفاوت از تعریف عدالت فقهی، به امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر است؛ این سخن، واقعیتی است که ظهور عبارات بسیاری از کتب فقهی حنفیان، به هنگام بیان مفهوم عدالت فقهی، به آن، گواهی می‌دهد؛ توضیح اینکه در کتب فقیهان حنفی، به هنگام تعریف عدالت فقهی، به استقامت در جاده دین و اعتدال عقل، پس از بیان اینکه ادنی مرتبه‌ی استقامت، برای تحقق عدالت، کافی است، ادنی مرتبه‌ی استقامت، رجحان جهت دین و عقل بر هوای نفس و شهوت، معرفی می‌شود و در پی آن، به صراحت، ارتکاب کبیره و اصرار بر صغیره، رجحان جهت هوای نفس بر عقل بیان می‌گردد و با این تفسیر، تعریفِ عدالت فقهی، به استقامت در جاده دین و اعتدال عقل، به امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر برمی‌گردد (زَیْلَعِی، ۱۳۱۳، ۴، ۲۲۵ ـ ۲۲۶؛ ابن نجیم، بی‌تا، ۷، ۹۵) و یا اینکه در توضیح تعریف عدالت

www.SID.ir

Archive of SID

فقهی، به غلبه‌ی حسنات بر سیّئات، سیّئات، به صغائر، و غلبه‌ی حسنات، به اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر، معنا می‌شود و به وضوح، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر، حاصل تعریف عدالت، به غلبه‌ی حسنات بر سیّئات، اعلام می‌گردد و بدین بیان، تعریف عدالت، به غلبه‌ی حسنات بر سیّئات، به تعریف عدالت، به اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر، برمی‌گردد (حدادی، ۱۳۲۲، ۲، ۲۳۲؛ عینی، ۱۴۲۰، ۹، ۱۵۵؛ ملا خسرو، بی‌تا، ۲، ۳۷۲؛ شیخی زاده، بی‌تا، ۲، ۲۰۱؛ میدانی، بی‌تا، ۴، ۶۴).

از این رو، عدالت فقهی، نزد فقها حنفی مذهب، از تعدد مفهومی برخوردار نیست. عدالت، در مذهب فقهی ابوحنیفه، صفت فعل و دارای مفهومی واحد است؛ امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر.

۲-۴- فقه شافعی

بررسی کتاب الأمّ شافعی و دیگر کتب فقهی فقیهان شافعی، تعریف صریح و آشکاری از شافعی ـ امام مذهب فقهی شافعی ـ درباره‌ی عدالت فقهی، بیان نمی‌دارد؛ البته، مزنی، در کتاب مختصر خود، عباراتی بدین بیان از شافعی نقل می‌کند: «لَيْسَ مِنْ النَّاسِ أَحَدٌ نَعْلَمُهُ إلاَّ أَنْ يَكُونَ قَلِيلاً يُمْحِضَ الطَّاعَةَ وَ الْمُرُوءَةَ حَتَّى لا يَخْلِطَهُمَا بِمَعْصِيَةٍ وَلا يُمْحِضَ الْمَعْصِيَةَ وَتَرْكَ الْمُرُوءَةِ حَتَّى لا يَخْلِطَهُمَا شَيْئًا مِنْ الطَّاعَةِ وَالْمُرُوءَةِ فَإِنْ كَانَ الأَغْلَبُ عَلَى الرَّجُلِ الأَظْهَرُ مِنْ أَمْرِهِ الطَّاعَةَ وَالْمُرُوءَةَ قُبِلَتْ شَهَادَتُهُ وَإِذَا كَانَ الأَغْلَبُ الأَظْهَرُ مِنْ أَمْرِهِ الْمَعْصِيَةَ وَخِلافَ الْمُرُوءَةِ رُدَّتْ شَهَادَتُهُ» (جدا از افراد قلیلی که ممحض در طاعت و مروّت هستند، کسی از مردمان را نمی‌شناسیم که اهل طاعت و مروّت هستند مگر اینکه طاعت و مروّت را به معصیتی آمیخته نباشد و کسی را نمی‌شناسیم که ممحض در معصیت و ترک مروّت است، مگر اینکه معصیت و ترک مروّت را به چیزی از عبادت آمیخته نباشد؛ پس اگر بیشترین حالتی که از آدمی آشکار است، طاعت و مروّت است، شهادت وی پذیرفته است و هرگاه، بیشترین حالتی که از وی آشکار است، معصیت و خلاف مروّت است، شهادت او مردود است) (مزنی، ۱۴۱۰، ۸، ۴۱۹) که پس از وی، دیگر فقیهان شافعی مذهب نیز به نقل آن از شافعی می‌پردازند (ماوردی، ۱۴۱۹، ۱۷، ۱۵۴؛ جوینی، ۱۴۲۸، ۱۹، ۵؛ رویانی، ۱۴۳۰، ۱۴، ۲۷۳؛ عمرانی، ۱۴۲۱، ۱۳، ۲۷۹؛ ابن رفعه، ۱۴۲۹، ۱۹، ۹۹).

از عبارت مذکور، می‌توان این مطلب را اصطیاد کرد که شافعی، مفهوم عدالت فقهی را اغلبیت کاملاً ظاهر و آشکار طاعت و مروّت بر ارتکاب معصیت و امور خلاف مروّت می‌داند و فردی را عادل می‌شمارد

www.SID.ir

Archive of SID

که طاعت و رعایت مروّت، در اغلب احوال او، به وضوح، نمایان و آشکار است.

بررسی کتب فقهی شافعیان، نشان می‌دهد که جمهور فقیهان شافعی، به تأثیر و در تابعیت از عبارت منقول از شافعی، عدالت فقهی را محافظت بر انجام طاعات، اجتناب از کبائر، عدم اصرار بر صغائر و مداومت بر مروّت تعریف می‌کنند و فردی که از ارتکاب معاصی کبیره، اجتناب می‌ورزد، جانب مروّت را نگه می‌دارد و معاصی صغیره‌ی چندانی از وی مشهود نیست، عادل به شمار می‌آورند و به جهت ارتکاب به ندرت صغائری چند، وی را از اتصاف به عدالت، دور نمی‌دارند و به فسق متصف نمی‌سازند (نووی، بی‌تا، ۲۰، ۲۲۷؛ ۱۴۱۲، ۱۱، ۲۲۵؛ ابن نقیب، ۱۴۰۲، ۲۴۷؛ ابن ملقن، ۱۴۲۷، ۱۴۸؛ بُلقینی، ۱۴۳۳، ۴، ۳۶۴؛ منهاجی اسیوطی، ۱۴۱۷، ۲، ۳۴۹؛ انصاری، ۱۴۱۴، ۲، ۲۷۲؛ ۱۴۱۷، ۱۸۷؛ رملی، بی‌تا، ۳۲۸؛ بُجَیْرَمِیّ، ۱۳۶۹، ۴، ۳۷۴).

از این رو، مفهوم عدالت فقهی، در فقه شافعی، امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر است. همراهی مداومت بر مروّت، با محافظت بر انجام طاعات، اجتناب از کبائر، عدم اصرار بر صغائر، در تعریف عدالت فقهی، در فقه شافعی، نه بدین جهت است که فقیهان شافعی مذهب، مروّت را جزء دخیل در مفهوم عدالت فقهی می‌دانند؛ بلکه از این رو است که آن را شرط مؤثری در تحقق عدالت فقهی می‌شمارند که فقدان آن، مانع تحقق عدالت است (ماوردی، ۱۴۱۹، ۱۷، ۱۵۴ ،۱۵۶؛ رویانی، ۱۴۳۰، ۱۴، ۲۷۸؛ اصفهانی، بی‌تا، ۴۶؛ نووی، ۱۴۲۵، ۳۴۵؛ دَمِیرِی، ۱۴۲۵، ۱۰، ۲۸۷؛ حصنی، ۱۴۱۵، ۵۶۶؛ ابن قاسم غزی، ۱۴۲۵، ۳۳۶؛ انصاری، بی‌تا، ۴، ۳۳۹؛ ابن حجر هیتمی، ۱۳۵۷، ۱۰، ۲۱۳؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵، ۲، ۶۳۳؛ رملی، ۱۴۰۴، ۸، ۲۹۴؛ مَحَلِّی، ۱۴۱۵، ۴، ۳۱۹ ـ ۳۲۰؛ قلیوبی، ۱۴۱۵، ۴، ۳۲۰).

خلاف دیدگاه جمهور فقها شافعی که عدالت فقهی را صفت فعل می‌دانند، برخی از فقیهان شافعی مذهب، عدالت فقهی را صفت نفس می‌شمارند و به ملکه‌ی نفسانی بودن آن، تصریح می‌نمایند؛ اینان، عدالت فقهی را ملکه‌ی راسخه‌ی نفسانی اقتراف کبائر و رذایل مباح، معرفی می‌کنند که صاحب آن را از ارتکاب اموری باز می‌دارد که به سقوط عدالت می‌انجامد؛ ارتکاب کبائر و امور خلاف مروّت و اصرار بر صغائر (ابن قاسم غزی، ۱۴۲۵، ۳۳۶؛ قلیوبی، ۱۴۱۵، ۴، ۳۲۰؛ جمل، بی‌تا، ۵، ۳۸۲؛ عمیره، ۱۴۱۵، ۴، ۳۲۰؛ بکری دمیاطی، ۱۴۱۸، ۴، ۳۲۰).

التفات به مطالب مذکور، همگرایی مفهوم عدالت فقهی را در فقه شافعی با دیگر مذاهب فقهی: امامیه، مالکی و حنفی، نمایان می‌سازد؛ چه اینکه مفهوم عدالت فقهی در همه‌ی این مذاهب، امتثال

www.SID.ir

Archive of SID

واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر است. اختلاف فقها شافعی، همانند فقیهان شیعه، تنها، در خصوص حیث توصیفی عدالت فقهی است؛ جمهور فقیهان شافعی، آن را وصف فعل و برخی دیگر، آن را وصف نفس می‌شمارند.

۲-۵- فقه حنبلی

بررسی کتب فقهی فقیهان حنبلی مذهب، تعریفی از احمد حنبل ـ امام مذهب فقهی حنبلی ـ برای عدالت فقهی گزارش نمی‌دهد؛ تنها، برخی از شاگردان احمد حنبل، تعریف عدل را به «من لم یظهر منه ریبهٔ رجل مستور»، از وی نقل می‌کند (کوسج، ۱۴۲۵، ۸، ۴۱۰۳). اگرچه نقل این تعریف، در برخی از کتب فقه فقها حنبلی، مشهود است، اما چنین به نظر می‌رسد که چندان مورد استقبال فقیهان حنبلی مذهب قرار ندارد؛ زیرا نوعاً، نقل این تعریف، با کلمه‌ی: «قیل»، همراه است (هاشمی بغدادی، ۱۴۱۹، ۵۰۷؛ قاضی أبو یعلی، ۱۴۰۵، ۳، ۷۹، ۸۲؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸، ۱۰، ۱۴۸؛ ۱۴۲۱، ۵۰۵؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۲، ۲۴۸؛ مقدسی، ۱۴۱۵، ۲۹، ۳۳۶؛ ابن مُنَجَّی تنوخی، ۱۴۲۴، ۴، ۶۴۷؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴، ۱۱، ۳۳۷؛ ابن مفلح، ۱۴۱۸، ۸، ۳۰۵؛ زرکشی، ۱۴۱۳، ۷، ۲۶۲، ۳۳۵؛ مرداوی، بی‌تا، ۱۱، ۲۸۲؛ ۱۲ ،۴۳).

فقها حنبلی، نوعاً و غالباً، عدالت فقهی را به استواء در احوال دینی و میانه روی و اعتدال در اقوال و افعال، و یا صلاح در دین و استعمال مروّت، معنا و یا اعتبار می‌کنند که البته، تقریباً، همگان، استواء و اعتدال احوال دینی و صلاح در دین را نیز به ادای فرایض، همراه با سنت راتبه، ترک محارم و اجتناب از ارتکاب کبائر و عدم ادمان و اصرار بر ارتکاب صغائر، تفسیر می‌کنند (کلوذانی، ۱۴۲۵، ۵۵۱؛ مقدسی، ۱۴۲۴، ۶۸۸؛ مرداوی، ۱۴۲۴، ۱۱، ۳۳۳؛ خنفر، بی‌تا، ۶۶۳ ـ ۶۶۴؛ حجاوی، الإقناع، ۴، ۴۳۷؛ زاد المستقنع، ۲۴۲؛ ابن نجار، ۱۴۱۹، ۵، ۳۶۰؛ کرمی مقدسی، ۱۴۲۵، ۳۵۵؛ ابن بَلْبان، ۱۴۱۶، ۲۶۶ ـ ۲۶۷؛ ابن قائد نجدی، ۱۴۱۹، ۵، ۳۶۰؛ بَعلِی، بی‌تا، ۵۲۵؛ بَعلِی خلوتی، ۱۴۲۳، ۲، ۸۴۳).

از این رو، همان گونه که از ظاهر عبارات برخی از فقها حنبلی، نمایان است (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۱۴، ۴، ۲۷۲)، مفهوم عدالت فقهی، در فقه حنبلی، امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر صغائر است. استعمال و همراهی مروّت به هنگام تعریف عدالت، در برخی از کتب فقهی حنبلیان، نه بدین جهت است که جزء دخیل در مفهوم عدالت فقهی است؛ بلکه شرطی مؤثر در تحقق آن است؛ چه اینکه وثوق و اطمینانی نسبت به مرتکب امور منافی مروّت، وجود ندارد (ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸، ۱۰، ۱۴۹؛

www.SID.ir

Archive of SID

زرکشی، ۱۴۱۳، ۷، ۳۳۷)؛ چنانکه همراهی سنت راتبه با ادای فرایض به هنگام تفسیر عبارت: «صلاح در دین»، در برخی از کتب فقها حنبلی مذهب نیز از همین رو است؛ چه اینکه نسبت به کسی که مداوماً، مندوبات موکده و سنن راتبه را ترک می‌کند و در اتیان آن‌ها، تهاون و تساهل می‌ورزد، این اطمینان وجود ندارد که در امتثال فرایض، دچار تساهل و تهاون نباشد و بعضی از ایام، برخی از فرایض را ترک نکند؛ زیرا تهاون در سنن، به تهاون در فرائض می‌انجامد (زرکشی، ۱۴۱۳، ۷، ۳۳۷؛ ابن مفلح، ۱۴۱۸، ۸، ۳۰۵؛ بهوتی، بی تا، ۷۲۱ ـ ۷۲۲؛ ۱۴۱۴، ۳، ۵۸۹؛ بی تا، ۶، ۴۱۸؛ ابن أبی تَغْلب، ۱۴۰۳، ۲، ۴۷۶).

با توجه به تفسیری که فقیهان حنبلی بیان می‌دارند، آشکار می‌گردد که در فقه حنبلی، عدالت فقهی، صفت فعل است. همچنین، مفهوم عدالت فقهی در فقه حنبلی با مفهوم آن، در دیگر مذاهب فقهی، همگرا است.

۳-عدالت نفسانی حداقلی و حداکثری

بررسی کتب فقهی مذاهب فقهی امامیه و اهل سنت این واقعیت را گزارش می‌دهد که عدالت در ابواب فقهی، با توجه به خصوصیت قضایای آن باب، تعیین و تفسیر می‌شود؛ چه اینکه حصول ملکه‌ی عدالت نفسانی و احراز آن نسبت به کلّ معاصی، بسیار پیچیده و نادرالوقوع است و فقط در تعداد کمی از مردم (اگر تحقّق آن فرض شود) ممکن الحصول است؛ از این رو، در معاملات مالی و امور حقوقی و مدنی، عدالت نفسانی، به صورت حدّاقلی است که اثبات و تحقّق آن، امری دشوار نیست؛ استمرار و عادت به تقوی و میانه‌روی و رفتار به هنجار در اجتماع، همان تحقق عدالت نفسانی حدّاقلی است؛ به این معنا که فرد در اثر تعهد دینی عادتاً به انجام گناه تمایلی ندارد و از آن دوری می‌گزیند و به گونه‌ای رفتار می‌کند که در صراط شریعت باشد و تصمیم، اراده و رفتار وی بر اساس کتاب و سنت و رعایت تقوای الهی انجام پذیرد؛ بعنوان نمونه فاضل مقداد ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره در بحث شهادت شهود در معاملات مالی، عدالت فعلی را کافی دانسته و گوید: «خداوند می‌فرماید: "ممن ترضون من الشهداء" و این دلالت دارد بر این‌که شاهد باید از کسانی باشد که نسبت به صداقتش در امر شهادت حسن ظن داشته باشیم؛ در این صورت می‌توان به ظاهر عدالت آنها اکتفا کرد و عدالت نفسانی شرط نیست؛ چنان‌که حضرت علی (ع) مرضی بودن را به رضایت به دین‌داری، امانت‌داری، صلاح و عفت که مبین عدالت فعلی و ظاهری است، تفسیر کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۵، ۱۸، ۲۹۵) و گرنه باید به جای عبارت مزبور جمله "من المرضیین من

www.SID.ir

Archive of SID

الشّهداء" ذکر می‌شد؛ زیرا مرضیین صفت ثابت در انسان بوده و اثبات عدالت نفسانی می‌کند» (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ۲، ۵۳). بعضی از مفسرین اهل سنت نیز در تفسیر عبارت "ممّن ترضون من الشّهداء" آورده‌اند: «ممّن تعرفون عدالتهم» (زمخشری، ١٤٠٦، ۱، ۳۲۶) و این خود بر کفایت بر حسن ظن عمومی و مراد نبودن عدالت نفسانی دلالت دارد. صاحب *ریاض‌المسائل* در ارتباط با عدالت شهود با استفاده از آیه شریفه «... ممّن ترضون من الشهداء ...» و با استناد به حدیث حضرت علی (ع) ـ چنان که آمد ـ معیار عدالت را مسلمان بودن، مؤمن بودن، عدم ظهور فسق و معروف بودن به خیر و صلاح بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۴۲۰، ۱۱، ۷۶).

در ارتباط با اشتراط عدالت فعلی و حداقلی در وکیل، ولی یتیم و متولی وقف اختلافی میان فقها نیست، به این معنا که هرگاه وکیل انسانی مسلمان، امین، غیرمتظاهر به فسق و دارای حسن‌ظاهر باشد، کافی است و لازم نیست دارای ملکه‌ای درونی راسخ در نفس باشد که اجتناب از کبائر و عدم‌اصرار بر صغائر را موجب شود، البته بعضی از فقها حتی عدالت فعلی را در وکیل امور مالی شرط ندانسته و به صحت وکالت وکیل فاسق قائل شده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۲، ۶۲-۶۳). علمای شافعی نیز به عدالت وکیل قائل می‌باشند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷، ۳۹۶). همچنین در ولایت بر مولّی‌علیه در امور مالی نیز برخی فقها مانند علامه حلی در *تذکرهٔ* عدالت حداقلی ولی را شرط دانسته‌اند که در صورت ظهور فسق، مال از او گرفته می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۵، ۶۹). منظور از عدالت در حقّ ولی، عدم‌فسق بوده و غیر از عدالت نفسانی است (بکری‌الدمیاطی، ۱۴۱۸، ۳، ۳۵۰). برخی دیگر نیز عدالت ولی را در ظاهر دانسته‌اند که در این صورت مستورالحال بودن او کفایت می‌کند (بهوتی،۱۴۱۴، ۵، ۵۷).

در ارتباط با مستحقّین زکات به جز "مؤلّفه قلوبهم" برخی از فقها عدالت آنان را شرط دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۲، ۵۰). گروهی دیگر نیز در مورد مستحقّین زکات که به جز "مؤلّفه قلوبهم" همگی باید مسلمان باشند، اصل را بر عدالت آنان گذاشته و قول‌شان را مقبول دانسته‌اند (موسوی‌عاملی، ۱۴۱۱، ۵، ۲۰۲؛ محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ۳، ۴۶۲). برخی هم ضمن لزوم شرط عدالت برای مستحقّین زکات، منظور از عدالت را "عدم فسق" می‌دانند (دسوقی، بی تا، ۱، ۴۹۵). همه این مطالب بر کفایت عدالت فعلی در مستحقّین زکات و عدم‌نیاز بر احراز عدالت نفسانی دلالت دارد.

ولی در امور کیفری و جزایی و باب قضاء، با توجه به اهمیت و خطیر بودن تصدی منصب قضاء و امور قضایی و جزایی، عدالت نفسانی حداقلی، کافی نیست، بلکه در این امور، عدالت حداکثری نفسانی ـ

www.SID.ir

Archive of SID

که بسی بالاتر از عدالت نفسانی حدّاقلی است ـ مورد پذیرش است. بعنوان نمونه یکی از شرایط لازم در قاضی، عدالت است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۱۲). با توجه به روایات (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۸، ۷، ۷۵ – ۹۴) و نظر مشهور فقها (موسوی‌خویی، ۱۴۱۸، ۲۵۲)، منظور از اشتراط عدالت در قاضی، عدالت نفسانی است؛ زیرا عدالت ملازم با تقوی دانسته شده (شیرازی، ۱۴۰۷، ۸۴، ۱۷) و پاره‌ای از فقها نیز برای تحصیل عدالت چهار شرط را برشمرده‌اند: ورع، امانت، وثوق و تقوی (ابن‌حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴، ۸۶۰؛ فاضل آبی، ۱۴۰۸، ۲، ۴۹۲؛ ابن فهد، ۱۴۱۲، ۴، ۴۵۶). طباطبایی یزدی در *عروة الوثقی* در مسأله ۲۳ از کتاب *الاجتهاد و التقلید* منظور از عدالت معتبر در مرجع تقلید را ملکه‌ای می‌داند که موجب انجام واجبات و ترک محرّمات می‌شود و حسن ظاهری که از طریق علم یا ظن حاصل شود، کاشف از آن ملکه می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ۱، ۲۶). ایشان در مسأله ۴۴ نیز عدالت را در مفتی و قاضی لازم می‌داند ولی تعریفی از عدالت نمی‌کند (طباطبایی یزدی،۱۴۲۰، ۱، ۳۶)؛ با توجه به این که این بحث را در کتاب *الاجتهاد و التقلید* مطرح و در سطور بالاتر در مسأله ۲۳ عدالت معتبر در مرجع تقلید را بیان کرده است می‌توان قائل شد که عدالت معتبر در مرجع تقلید، یعنی عدالت نفسانی، در قاضی نیز منظور نظر ایشان بوده است. برخی دیگر از فقها نیز در اشتراط عدالت برای قاضی، عدالت معتبر در قاضی را عبارت از ملکه‌ای راسخه که سبب ملازمت او با تقوی و ترک محرّمات و انجام واجبات شود، می‌دانند (امام خمینی، بی تا، ۱، ۸).

در ارتباط با شهادت شهود در زنا نیز از آنجا که این مساله با حیثیت و عرض و ناموس مردم در ارتباط است فقها مذاهب اسلامی یکی از شرایط مهم آن را احراز ثبوت عدالت نفسانی دانسته‌اند (ابن‌حمزه، ۱۴۰۸، ۶۰۹؛ فاضل‌هندی، ۱۴۰۵، ۲، ۳۹۷). از این‌رو، نمی‌توان به ظاهر عدالت شاهدان اکتفا کرد، یعنی به این‌که گفته شود او مسلمان است و ظاهرالفسق نیست مگر این‌که قاضی به عدالت آنان علم داشته باشد (ابن‌نجیم، بی تا، ۵، ۹؛ ابن‌قدامه، ۱۴۱۴، ۱۰، ۱۷۶؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲، ۴، ۱۷۰).

۴-نتیجه‌گیری

از آنچه تاکنون تقریر گردید، به دست می‌آید که بررسی تعاریف عدالت فقهی، مذکور در میراث مکتوب فقه اسلامی، (فقه شیعه، مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی) این واقعیت را آشکار ساخت که تعدد و تفاوت مشهود در تعاریف فقیهان و ادبیات فقه مذاهب اسلامی برای عدالت فقهی، تفاوتی ظاهری و غیر

www.SID.ir

Archive of SID

ماهوی است که از شیوه‌ی بیان و التزام آنان به هماهنگ بودن با ادبیات رایج مذهب فقهی آنان، نشأت می‌گیرد. همه‌ی این تعاریف، همگرا هستند و بیانگر مفهومی مورد اتفاق هستند؛ از این رو، می‌توان از همگرایی مذاهب اسلامی در مفهوم عدالت فقهی و ارائه‌ی تعریفی واحد و معیار برای آن، در ادبیات فقه مذاهب اسلامی سخن راند و بیان داشت که عدالت، در ادبیات فقه مذاهب اسلامی، تنها و تنها، دارای یک معنی است؛ امتثال واجبات، اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر ارتکاب صغائر.

آری؛ اختلاف میان فقیهان مذاهب اسلامی، تنها، درباره‌ی حیثیت توصیفی عدالت فقهی است؛ اینکه عدالت، صفت نفس است و یا صفت فعل است که البته، این اختلاف، امری عارضی و خارج از ذات و مفهوم عدالت فقهی است.

البته، در رفع اختلاف مذکور و جمع دیدگاه‌ها، از بررسی کتب فقهی مذاهب فقه اسلامی چنین به نظر می‌رسد که باید عدالت را در قضایای ابواب فقه، با توجه به خصوصیت قضایای آن باب تعیین و تفسیر کرد؛ بدین گونه که در امور حقوقی و مدنی، عدالت نفسانی حداقلی کافی است، ولی در امور قضایی و جزایی، به عدالت نفسانی حداکثری، نیاز است.

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۱۳). مقالهٔ فی العدالهٔ (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. آشتیانی، محمد حسن بن جعفر (۱۴۲۵). کتاب القضاء (چاپ اول). قم: انتشارات زهیر ـ کنگره علامه آشتیانی.

۳. ابن ابی تَغْلب، عبد القادر بن عمر (۱۴۰۳). نیل المآرب بشرح دلیل الطالب (چاپ اول). کویت: مکتبهٔ الفلاح.

۴. ابن ابی العز، علی بن علی (۱۴۲۴). التنبیه علی مشکلات الهدایهٔ (چاپ اول). ناشرون: مکتبهٔ الرشد.

۵. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (چاپ دوم). قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۶. ابن اسحاق جندی، خلیل بن إسحاق (۱۴۲۹). التوضیح فی شرح المختصر (چاپ اول). قاهره: مرکز نجیبویه للمخطوطات و خدمهٔ التراث.

۷. ابن بَلْبان، محمد بن بدر الدین (۱۴۱۶). أخصر المختصرات (چاپ اول). بیروت: دار البشائر الإسلامیهٔ.

۸. ابن تیمیه، عبد السلام بن عبد الله (۱۴۰۴). المحرر فی الفقه (چاپ دوم). ریاض: مکتبهٔ المعارف.

۹. ابن جَلاّب مالکی، عبید الله بن حسین (۱۴۲۸). التفریع فی فقه الإمام مالک بن أنس (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیهٔ.

۱۰. ابن حجر هیتمی، أحمد بن محمد (۱۳۵۷). تحفهٔ المحتاج فی شرح المنهاج. قاهره: المکتبهٔ التجاریهٔ مصطفی محمد.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸). الوسیلة إلی نیل الفضیلة (چاپ اول). قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی.
۱۲. ابن رشد حفید، محمد بن احمد (۱۴۲۵). بدایة المجتهد و نهایة المقتصد (چاپ اول). قاهره: دار الحدیث.
۱۳. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۸). البیان و التحصیل (چاپ دوم). بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۱۴. ابن رفعه، احمد بن محمد (۱۴۲۹). کفایة النبیه فی شرح التنبیه (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۵. ابن شاس، عبد الله بن نجم (۱۴۲۳). عقد الجواهر الثمینة فی مذهب عالم المدینة (چاپ اول). بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۱۶. ابن عابدین، محمد بن محمد امین (۱۴۱۲). قره عین الأخیار لتکملة رد المحتار علی الدر المختار (چاپ دوم). بیروت: دار الفکر.
۱۷. ابن عابدین، محمد امین بن عمر (۱۴۱۲). رد المحتار علی الدر المختار (چاپ دوم). بیروت: دار الفکر.
۱۸. ـــــــــــــــــــــــ (بی‌تا). منحة الخالق (چاپ دوم). بیروت: دار الکتاب الإسلامی.
۱۹. ابن عبد البر قرطبی، یوسف بن عبد الله (۱۳۹۸). کتاب الکافی فی فقه اهل المدینة المالکی (چاپ اول). ریاض: مکتبة الریاض الحدیثة.
۲۰. ابن عسکر بغدادی، عبد الرحمن بن محمد (بی‌تا). إرشاد السالک إلی أشرف المسالک فی فقه الإمام مالک (چاپ سوم). قاهره: مطبعة الحلبی.
۲۱- ابن فهد، احمدبن‌محمد بن فهد اسدی (۱۴۱۲). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۲. ابن قائد نجدی، عثمان بن احمد (۱۴۱۹). حاشیة المنتهی (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۳. ابن قاسم غزی، محمد بن قاسم (۱۴۲۵). فتح القریب المجیب فی شرح ألفاظ التقریب (چاپ اول). بیروت: دار ابن حزم.
۲۴. ابن قدامة المقدسی، عبد الله بن احمد (۱۴۱۴). الکافی فی فقه الإمام أحمد (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۵. ـــــــــــــــــــــــ (۱۳۸۸). المغنی. قاهره: مکتبة القاهرة.
۲۶. ـــــــــــــــــــــــ (۱۴۲۱). المقنع فی فقه الإمام أحمد (چاپ اول). جدّه: مکتبة السوادی.
۲۷. ابن مازَه، محمود بن احمد (۱۴۲۴). المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۸. ابن مفلح، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۸). المبدع فی شرح المقنع (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. ابن مفلح، محمد بن مفلح (۱۴۲۴). الفروع (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۰. ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۲۷). التذکرة فی الفقه الشافعی (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۱. ابن مُنَجَّی تنوخی، مُنَجَّی بن عثمان (۱۴۲۴). الممتع فی شرح المقنع (چاپ اول). مکه مکرمه: مکتبة الأسدی.

www.SID.ir

Archive of SID

۳۲. ابن مودود موصلی، عبد الله بن محمود (۱۳۵۶). الاختیار لتعلیل المختار (چاپ اول). قاهره: مطبعة الحلبی.
۳۳. ابن نجار، محمد بن احمد (۱۴۱۹). منتهی الإرادات (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۴. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (بی‌تا). البحر الرائق شرح کنز الدقائق (چاپ دوم). بیروت: دار الکتاب الإسلامی.
۳۵. ابن نقیب، احمد بن لؤلؤ (۱۴۰۲). عمدة السالک وعدة النّاسک (چاپ اول). قطر: الشؤون الدینیة.
۳۶. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. اردکانی، مرتضی بن محمد (۱۴۰۲). رسالة فی العدالة (چاپ اول). قم: مؤلف.
۳۸. اصفهانی، احمد بن حسین (بی‌تا). الغایة و التقریب. بیروت: عالم الکتب.
۳۹. اصفهانی، بهاءالدین محمد بن‌حسن [فاضل هندی] (۱۴۰۵). کشف اللثام. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی.
۴۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۴). رسالة فی العدالة (چاپ اول). قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۴۱. انصاری سنیکی، زکریا بن محمد (بی‌تا). أسنی المطالب فی شرح روض الطالب. بیروت: دار الکتاب الإسلامی.
۴۲. ـــــــــــــــــــــــ (۱۴۱۴). فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب. بیروت: دار الفکر.
۴۳. ـــــــــــــــــــــــ (۱۴۱۷). منهج الطلاب فی فقه الإمام الشافعی (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۴. ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین (۱۳۸۹). عدالت نفسانی حداقلی شهود. فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۴، ص ۹۶-۹۸.
۴۵. بُجَیْرَمِیّ، سلیمان بن محمد (۱۳۶۹). التجرید لنفع العبید. قاهره: مطبعة الحلبی.
۴۶. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی الأحکام العترة الطاهرة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. بعلی، احمد بن عبد الله (بی‌تا). الروض الندی شرح کافی المبتدی. ریاض: المؤسسة السعیدیة.
۴۸. بعلی خلوتی، عبد الرحمن بن عبد الله (۱۴۲۳). کشف المخدرات والریاض المزهرات لشرح أخصر المختصرات (چاپ اول). بیروت: دار البشائر الإسلامیة.
۴۹. بکری دمیاطی، عثمان بن محمد شطا (۱۴۱۸). إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین (چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۵۰. بُلْقِینی، عمر بن رسلان (۱۴۳۳). التدریب فی الفقه الشافعی (چاپ اول). ریاض: دار القبلتین.
۵۱. بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۲۴). مصابیح الظلام (چاپ اول). قم: مؤسسه وحید بهبهانی.
۵۲. بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۴). دقائق أولی النهی لشرح المنتهی (چاپ اول). بیروت: عالم الکتب.
۵۳. ـــــــــــــــــــــــ (بی‌تا). الروض المربع شرح زاد المستقنع. بیروت: دار المؤید – مؤسسة الرسالة.

www.SID.ir

Archive of SID

۵۴. ـــــــــــــــــ (۱۴۳۱). عمدة الطالب لنیل المآرب (چاپ اول). کویت: مؤسسة الجدید النافع.
۵۵. ـــــــــــــــــ (بی‌تا). کشاف القناع عن متن الإقناع. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۶. جمل، سلیمان بن عمر (بی‌تا). فتوحات الوهاب بتوضیح شرح منهج الطلاب. بیروت: دار الفکر.
۵۷. جوینی، عبد الملک بن عبد الله (۱۴۲۸). نهایة المطلب فی درایة المذهب (چاپ اول). جدّه: دار المنهاج.
۵۸. حجاوی، موسی بن احمد (بی‌تا). الإقناع. بیروت: دار المعرفة.
۵۹. ـــــــــــــــــ (بی‌تا). زاد المستقنع فی اختصار المقنع. ریاض: دار الوطن للنشر.
۶۰. حدادی، ابو بکر بن علی (۱۳۲۲). الجوهرة النیرة (چاپ اول). قاهره: المطبعة الخیریة.
۶۱. حسینی عاملی، سید محمد بن جواد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۲. حَصْکَفِی، محمد بن علی (۱۴۲۳). الدر المختار شرح تنویر الأبصار و جامع البحار (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶۳. حصنی، محمد بن عبد المؤمن (۱۴۱۵). کفایة الأخیار فی حل غایة الإختصار (چاپ اول). دمشق: دار الخیر.
۶۴. حطاب رُعینی، محمد بن محمد (۱۴۱۲). مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل (چاپ سوم) بیروت: دار الفکر.
۶۵. حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه (چاپ اول). اصفهان: کتاب‌خانه‌ی عمومی امام أمیر المؤمنین (ع).
۶۶. حلی، ابوالقاسم‌نجم‌الدین‌جعفربن‌حسن [محقق حلی])۱۴۰۹(. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (چاپ دوم). تهران: استقلال.
۶۷. حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). الجامع للشرایع (چاپ اول). قم: مؤسسة سید الشهداء العلمیة.
۶۸. خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۱۵). مغنی المحتاج إلی معرفة معانی ألفاظ المنهاج (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶۹. خنفر، حازم أحمد (بی‌تا). الحاشیة العثیمینیة علی زاد المستقنع. بی‌جا: بی‌نا.
۷۰. دسوقی، محمد بن احمد (بی‌تا). حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر. بیروت: دار الاحیاء الکتب العربیة.
۷۱. دَمِیرِی، بهرام بن عبد الله (۱۴۲۹). الشامل فی فقه الإمام مالک (چاپ اول). قاهره: مرکز نجیبویه للمخطوطات و خدمة التراث.
۷۲. دَمِیرِی، محمد بن موسی (۱۴۲۵). النجم الوهاج فی شرح المنهاج (چاپ اول). جدّه: دار المنهاج.
۷۳. رملی، محمد بن احمد (بی‌تا). غایة البیان شرح زبد ابن رسلان. بیروت: دار المعرفة.
۷۴. ـــــــــــــــــ (۱۴۰۴). نهایة المحتاج إلی شرح المنهاج. بیروت: دار الفکر.

www.SID.ir

Archive of SID

۷۵. رویانی، عبد الواحد بن اسماعیل (۱۴۳۰). بحر المذهب فی فروع المذهب الشافعی (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۷۶. زُرْقانی، عبد الباقی بن یوسف (۱۴۲۲). شرح الزُّرْقانی علی مختصر الخلیل (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۷۷. زرکشی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۳). شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی. بی‌جا: دار العبیکان.

۷۸. زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۶). الکشّاف عن حقائق غوامض‌التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه‌التأویل. بیروت: دارالکتاب العربی.

۷۹. زَیْلَعِی، عثمان بن علی (۱۳۱۳). تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (چاپ اول). قاهره: المطبعة الأمیریة.

۸۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۸). نظام القضاء و الشهادات فی الشریعة الاسلامیة الغراء (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۸۱. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷). ذخیرة المعاد (چاپ اول) (چاپ سنگی). قم: موسسه آل البیت (ع).

۸۲. ـــــــــــــــــــــــــ (۱۴۲۳). کفایة الأحکام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۸۳. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴). المبسوط. بیروت: دار المعرفة.

۸۴. سُغْدی، علی بن حسین (۱۴۰۴). النتف فی الفتاوی (چاپ دوم). عمان ـ بیروت: دار الفرقان ـ مؤسسة الرسالة.

۸۵. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۳۸۶). عیون المسائل (چاپ اول). بغداد: مطبعة أسعد.

۸۶. سیوری، مقدادبن‌عبدالله [فاضل مقداد] (۱۳۸۴). کنز العرفان فی فقه القرآن. تهران: مکتبه مرتضویه.

۸۷. شُرُنْبُلالِیّ، حسین بن عمار (بی‌تا). حاشیة الشُّرُنْبُلالی. بیروت: دار إحیاء الکتب العربیة.

۸۸. شِلْبِیّ، احمد بن محمد (۱۳۱۳). حاشیة الشِّلْبِیّ (چاپ اول). قاهره: المطبعة الأمیریة.

۸۹. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۹۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (چاپ اول). قم: انتشارات داوری.

۹۱. ـــــــــــــــــــــــــ (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (چاپ اول). قم: مؤسسه معارف اسلامیه.

۹۲. ـــــــــــــــــــــــــ (۱۴۰۲). روض الجنان فی شرح الارشاد الأذهان (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۹۳. شیخی زاده، عبد الرحمن بن محمد (بی‌تا). مجمع الأنهر فی شرح ملتقی الأبحر. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۹۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۹۵. شیرازی، محمد (۱۴۰۷). الفقه. بیروت: دارالعلوم.

۹۶. طباطبائی بروجردی، سید حسین (بی‌تا). نهایة التقریر (چاپ اول). قم: بی‌نا.

www.SID.ir

۹۷. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل البیت (ع).

۹۸. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۲). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۹۹. طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۴۳۰). مستمسک العروة الوثقی (چاپ اول). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۰۰. طباطبایی‌یزدی، محمدکاظم (۱۴۲۰). العروة الوثقی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۱۰۱. عاملی، محمدبن‌حسن [حر عاملی] (۱۴۰۳). وسائل الشیعة الی مسائل الشریعة. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.

۱۰۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰). إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان (چاپ اول). قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰۳. ـــــــــــــــــــــ (۱۴۲۰). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۱۰۴. عمرانی، یحیی بن سالم (۱۴۲۱). البیان فی مذهب الإمام الشافعی (چاپ اول). جدّه: دار المنهاج.

۱۰۵. عُمیره، احمد برلسی (۱۴۱۵). حاشیة عمیرة علی شرح المنهاج. بیروت: دار الفکر.

۱۰۶. عینی، محمود بن احمد (۱۴۲۰). البنایة شرح الهدایة (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۰۷. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۲). تفصیل الشریعة فی شرح التحریر الوسیلة ـ الاجتهاد و التقلید (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰۸. فخر المحققین حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (چاپ اول). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۰۹. قاضی أبو یعلی، محمد بن حسین (۱۴۰۵). المسائل الفقهیة من کتاب الروایتین و الوجهین (چاپ اول). ریاض: مکتبة المعارف.

۱۱۰. قرافی، احمد بن ادریس (۱۴۱۶). الذخیرة (چاپ اول). بیروت: دار الغرب الاسلامی.

۱۱۱. قلیوبی، احمد سلامه (۱۴۱۵). حاشیة القلیوبی علی شرح المنهاج. بیروت: دار الفکر.

۱۱۲. کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (چاپ دوم). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۱۳. کرمی مقدسی، مرعی بن یوسف (۱۴۲۵). دلیل الطالب لنیل المطالب (چاپ اول). ریاض: دار طیبة.

۱۱۴. کلوذانی، محفوظ بن احمد (۱۴۲۵). الهدایة علی مذهب الإمام أحمد (چاپ اول). بی‌جا: مؤسسة غراس.

۱۱۵. کوسج، اسحاق بن منصور (۱۴۲۵). مسائل الإمام أحمد بن حنبل و إسحاق بن راهویه (چاپ اول). مدینه منوره: عمادة البحث العلمی، الجامعة الإسلامیة بالمدینة المنورة.

۱۱۶. نیآوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹). الحاوی الکبیر (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۱۷. مَحَلِّی، جلال الدین (۱۴۱۵). شرح منهاج الطالبین. بیروت: دار الفکر.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱۸. مرداوی، علی بن سلیمان (بی‌تا). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف (چاپ دوم). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۱۹. ـــــــــــــــــ (۱۴۲۴). تصحیح الفروع (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الرسالة.

۱۲۰. ـــــــــــــــــ (بی‌تا). الهدایة فی شرح بدایة المبتدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۲۱. مزنی، اسماعیل بن یحیی (۱۴۱۰). مختصر المزنی. بیروت: دار المعرفة.

۱۲۲. مقدسی، عبد الرحمن بن ابراهیم (۱۴۲۴). العدة شرح العمدة. قاهره: دار الحدیث.

۱۲۳. مقدسی، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۵). الشرح الکبیر (چاپ اول). قاهره: هجر.

۱۲۴. ملا خسرو، محمد بن فرامرز (بی‌تا). درر الحکام شرح غرر الأحکام. بیروت: دار إحیاء الکتب العربیة.

۱۲۵. منهاجی اسیوطی، محمد بن احمد (۱۴۱۷). جواهر العقود و معین القضاة و الموقعین و الشهود (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۲۶. مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۲). مبانی تحریر الوسیلة ـ القضاء و الشهادات (چاپ اول). تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (قده).

۱۲۷. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۳). فقه القضاء (چاپ دوم). قم: بی‌نا.

۱۲۸. موسوی خمینی، سید روح الله [امام خمینی] (بی‌تا). تحریر الوسیلة. تهران: کتابفروشی علمی اسلام.

۱۲۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). التنقیح فی شرح العروة الوثقی (چاپ اول). قم: لطفی.

۱۳۰. ـــــــــــــــــ (۱۴۱۱). فقه الشیعة، الاجتهاد و التقلید (چاپ سوم). قم: چاپخانه نوظهور.

۱۳۱. موسوی سبزواری، سید عبد الأعلی (۱۴۱۳). مهذّب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام (چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.

۱۳۲. موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۱۹). رسالة فی العدالة (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۳۳. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱). مدارک الاحکام (چاپ اول). بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

۱۳۴. موّاق مالکی، محمد بن یوسف (۱۴۱۶). التاج و الإکلیل لمختصر خلیل (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۳۵. میدانی، عبد الغنی بن طالب (بی‌تا). اللباب فی شرح الکتاب. بیروت: المکتبة العلمیة.

۱۳۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (چاپ هفتم). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۳۷. نووی، یحیی بن شرف (۱۴۱۲). روضة الطالبین وعمدة المفتین (چاپ سوم). بیروت- دمشق- عمان: المکتب الإسلامی.

۱۳۸. ـــــــــــــــــ (بی‌تا). المجموع شرح المهذب. بیروت: دار الفکر.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۳۹. ـــــــــــــــــ (۱۴۲۵). منهاج الطالبین و عمدة المفتین (چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۱۴۰. هاشمی بغدادی، محمد بن احمد (۱۴۱۹). الإرشاد إلی سبیل الرشاد (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۴۱. یوسفی، ابن ابی‌المجد [فاضل آبی] (۱۴۰۸). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه نشر اسلامی

1. Akhund Khorasani, M.K. (1992). *Maqalat fi Al-Edalat* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
2. Ashtiani, M.H. (2004). *Kitab Al-Qaza* (1st Ed). Qom: Zoheir Publication-Allameh Ashtiani's congress.
3. Ibn Abi-Taghlab, A.Q. (1982). *Neil Al-Ma'areb bi Sharh Dalil Al-Talib* (1st Ed). Kuwait: Maktabat Al-Fallah.
4. Ibn Abi Al-Ezz, A. (2003). *Al-Tanbih Ala Moshkilat Al-Hedayat* (1st Ed). Nashirun: Maktabat Al-Rushd.
5. Ibn Idris Helli, M. (1989). *Al-Sarair Al-Havi li Tahrir Al-Fatava* (2nd Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
6. Ibn Isaac Jondi, Kh. (2008). *Al-tozih fi Sharh Al-Mokhtadar* (1st Ed). Cairo: Najibivaih li Al-Makhlouqat wa Khadamat Al-Terath Center.
7. Ibn Ballaban, M.. (1995). *Akhsar Al-Mokhtasarat* (1st Ed). Beirut: Dar Al-Bashaer Al-Islamiat.
8. Ibn Teimiyeh, A.S. (1983). *Al-Moharrar fi Al-Fiqh* (2nd Ed) Riyadh: Maktabat Al-Ma'arif.
9. Ibn Jallab Maliki, O.A. (2007). *Al-Tafri' fi Feqh Al-Imam Malik bin Anas* (1st Ed). Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyat.
10. Ibn Hajar Heitami, A. (1978). *Tohfat Al-Mohtaj fi Sharh Al-Minhaj*. Cairo: AL-Maktabat Al-Tijariyat Mustafa Mohammad.
11. Ibn Hamzeh Tusi, M. (1987). *Al-Wasilat ila Neil Al-Fazilat* (1st Ed). Qom: Mar'ashi Najafi's Library.
12. Ibn Rushd Hafid, M. (2004). *Bidayat Al-Mojtahid wa Nahayat Al-Moqtasid* (1st Ed). Cairo: Dar Al-Hadith.
13. Ibn Rushd Qurtabi, M. (1987). *Al-Bayan wa Al-Tahsil* (2nd Ed). Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami.
14. Ibn Rafa't, A. (2008). *Kifayat Al-Nabih fi Sharh Al-Tanbih* (1st Ed). Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyat.

www.SID.ir

Archive of SID

15. Ibn Shas, A. (2002). *Aqd Al-Jawahir Al-Thaminat fi Mazhab Alim Al-Madinat* (1st Ed). Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami.
16. Ibn Abidin, M. (1991). *Qorrat Al-Ain Al-Akhyar li Takmalat Rad Al-Muhtar ala Al-Dor Al-Mokhtar* (2nd Ed). Beirut: Dar Al-Fikr.
17. Ibn Abidin, M.A. (1991). *Rad Al-Mohtar ala Dor Al-Mokhtar* (2nd Ed) Beirut: Dar Al-Fikr.
18. _____ (n.d.). *Mihat Al-Khaliq* (2nd Ed). Beirut: Dar Al-Kutub Al-Islami.
19. Ibn Abd Al-Bir Qortabi, Y. (1977). *kitab Al-Kafi fi Fiqh Ahl Al-Madinat Al-Maliki* (1st Ed). Riyadh: Maktabat Al-Riyadh Al-Hadithat.
20. Ibn Askar Baghdadi, A.R. (n.d). *Irshad Al-Salik ila Ashraf Al-Masalik fi Fiqh Al-Imam Malik* (3rd Ed). Cairo: Matba'at Al-Halabi.
21. Ibn Fahd, A. (1991). *Al-Mazhab al-bari' fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'*. Qom: Islamic Publishing Institute.
22. Ibn Qaid Najdi, O. (1998). *Hashiyat al-Montaha* (1st Ed). Beirut: Al-Risalat Institute.
23. Ibn Qasim Ghizi, M. (2004). *Fath al-qarib al-Mujib fi Sharh Alfaz al-Taqrib* (1st Ed). Beirut: Dar Ibn Hazm.
24. Ibn Qodamat al-Moqaddasi, A. (1993). *Al-Kafi fi Fiqh al-Imam Ahmad* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyat.
25. _____ (2009). *Al-Mughni*. Cairo: Maktabat al-Cairo.
26. _____ (2000). *Al-Moqna' fi Fiqh al-Imam Ahmad* (1st Ed). Jeddah: Maktabat al-Sawadi.
27. Ibn Maaza, M. (2003). *Al-muhit al-Burhani fi Fiqh al-No'mani* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub Al-Islamiat.
28. Ibn Muflah, I. (1997). *Al-Mubdi' fi Sharh al-Muqni* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub Al-Islamiat.
29. Ibn Muflah, M. (2003). *Al-Foruo'* (1st Ed). Beirut: Al-Risalat Institute.
30. Ibn Mulqan, O. (2006). *Al-Tathkirat fi Fiqh al-Shafiei* (1st Ed). Beirut, Dar al-Kutub al-Islamiat.
31. Ibn Munnaji Tanukhi, M. (2003). *Al-Momtani' fi Sharh al-Muqni* (1st Ed). Honorable Mecca: Maktabat al-Asadi.
32. Ibn Mudud al-Musili, A. (1977). *Al-Ikhtiar li Ta'lil al-Mukhtar* (1st Ed). Cairo: Matba'at al-Halabi.
33. Ibn Najjar, M. (1998). *Muntaha al-Iradat* (1st Ed). Beirut: Al-Risalat Institute.
34. Ibn Najim, Z.D. (n.d.). *Al-Bahr al-Ra'eq Sharh Kanz al-Daqa'eq* (2nd Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiat.

www.SID.ir

Archive of SID

35. Ibn Naqib, A. (1981). *Omdat al-Salik wa Iddat al-Nasik* (1st Ed). Qatar: Al-Sho'un al-Diniyat.
36. Ardabili, A. (1982). *Majma' al-Fa'edat wa al-Burhan* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
37. Ardakani, M. (1981). *Risalat fi al-Idalat* (1st Ed). Qom: Mo'alif.
38. Esfahani, A. (n.d.). *Al-Ghayat wa Taqrib*. Beirut: Alam al-Kutub.
39. Esfahani, B.D.M [Hindi Fazil] (1984). *Kashaf al-Litham*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
40. Ansari, M. (1993). *Risalat fi al-Idalat* (1st Ed). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami.
41. Ansari Seniki, Z. (n.d.). *Asni al-Matalib fi Sharh Rouz al-Talib*. Beirut: Dar al-Kutub al-Islami.
42. _____ (1993). *Fath al-wahab bi Sharh Minhaj al-Tullab*. Beirut, Dar al-Fikr.
43. _____ (1996). *Minhaj al-Tullab fi Fiqh al-Imam al-Shafiei* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
44. Izadi Fard, A.A., Kavyar, H. (2010). Minimal Intuitive Sensual Justice. *Law Quarterly*, *40th period*, num. 4.
45. Bujayrami, S. (1990). *Al-Tajrid li Naf' al-Abid*. Cairo: Matba'at al-Halabi.
46. Bahrani, Y. (1984). *Al-Hadaeq al-Nazirat fi al-Ahkam al-Itrat al-Tahirat* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
47. Ba'li, A. (n.d.). *Al-Rouz al-Nidi Sharh al-Kafi al-Mubtadi*. Riyadh: Al-Sa'idiat Institute.
48. Ba'li Khalwati, A.R. (2002). *Kashf al-Mukhaddarat wa al-Riaz al-Muzhirat li Sharh Akhsar al-Mukhtasarat* (1st Ed). Beirut: Dar al-Bashaer al-Islamiat.
49. Bukri Dimyati, O. (1997). *I'anat al-Talibin ala Hal al-Alfaz Fath al-Mu'in* (1st Ed). Beirut: Dar al-Fikr.
50. Bullaqini, O. (2002). *Al-Tadrib fi Fiqh al-Shafiei* (1st Ed). Riyadh: Dar al-Qiblatain.
51. Bihbahani, M.B. (2003). *Masabih al-Zulam* (1st Ed). Qom: Vahid Bihbahani Institute.
52. Buhouti, M. (1993). *Daqaiq al-Oula al-Nahy li Sharh al-Muntaha* (1st Ed). Beirut: Alim al-Kitab.
53. _____ (n.d.). *Al-Rouz al-Muraba' Sharh Zad al-Mustaqna'*. Beirut: Dar al-Mo'ayad - al-Risalat Institute.
54. _____ (2009). *Omdat al-Talib li Neil al-Ma'arib* (1st Ed). Kuwait: Al-Jadid al-Naji' Institute.
55. _____ (n.d.). *Kishaf al-Qina' an Matn al-Iqna'*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.

www.SID.ir

Archive of SID

56. Jamal, S. (n.d.). *Fotouhat al-wahhab bi Touzih Sharh Minhaj al-Tullab*. Beirut: Dar al-Fikr.
57. Jowieni, A.M. (2007). *Nahayat al-Matlab fi Dirayat al-Mazhab* (1st Ed). Jeddah: Dar al-Minhaj.
58. Hijawi, M. (n.d.). *Al-Iqna'*. Beirut: Dar al-Ma'rifat.
59. _____ (n.d.). *Zad al-Mustaqna' fi Ikhtisar al-Muqna'*. Riyadh: Dar al-watan li Nashr.
60. Haddadi, A. (1943). *Al-jouharat al-Nayirat* (1st Ed). Cairo: aL-Matba'at al-Kheiriat.
61. Hussaini Amili, S.M. (1998). *Miftah al-Kiramat fi Sharh Qawa'id al-Ilamat* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
62. Haskafi, M. (2002). *Al-dur al-Mukhtar Sharh Tanwir al-Absar wa Jame' al-Bihar* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
63. Hisni, M. (1994). *Kifayat al-Akhyar fi Hal Qayat al-Ikhtisar* (1st Ed). Damascus: Dar al-Kheir.
64. Hotab Roini, M. (1991). *Mawahib al-Jalil fi Sharh Mukhtasar Khalil* (3rd Ed). Beirut: Dar al-Fikr.
65. Halabi, T.D. (1982). *Al-Kafi fi al-Fih* (1st Ed). Esfahan: Imam Amir al-Mo'minin Public Library.
66. Hilli, A.Q., Najm Din, J. [Mohaqaq Hilli] (1998). *Sharayi' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram* (2nd Ed). Tehran: Istiqlal.
67. Hilli, Y. (1984). *Al-jami' li Sharayi'* (1st Ed). Qom: Seyyed al-Shohada al-Ilmiyat Institute.
68. Khatib Sharbini, M. (1994). *Moghni al-Muhtaj ila Ma'rifat Ma'ani Alfaz al-Minhaj* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
69. Khanfar, H.A. (n.d.). *Al-Hashiyat al-Athiminihat ala Zad al-Mustaghna'*.
70. Disouqi, M. (n.d.). *Hashiyat al-Disouqi ala al-Sharh al-Kabir*. Beirut: Dar al-Ihya' al-Kutub al-Arabiyat.
71. Dameiri, B. (2008). *Al-Shamil fi Fiqh al-Imam Malik* (1st Ed). Cairo: Najibivaih li Al-Makhlouqat wa Khadamat Al-Terath Center.
72. Dameiri, M. (2004). *Al-Najm al-wahaj fi Sharh al-Minhaj* (1st Ed). Jeddah: Dar al-Minhaj.
73. Ramli, M (n.d.). *Ghayat al-Bayan Zobd bin Raslan*. Beirut: Dar al-Ma'rifat.
74. _____ (1983). *Nahayat al-Muhtaj ila Sharh al-Minhaj*. Beirut: Dar al-Fikr.
75. Rouyani, A.W. (2008). *Bahr al-Mazhab fi Foru' al-Mazhab al-Shafiei* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.

www.SID.ir

Archive of SID

76. Zorqani, A.B. (2001). *Sharh al-Zarqani ala Mukhtasar al-Khalil* (1st Ed). Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
77. Zarkashi, M. (1992). *Sharh al-Zarkashi ala Mukhtasar al-Kharqi*, (n.d.). Dar al-Abikan.
78. Zamakhshari, J.A.M. (1985). *Al-Kushaf an Ha'ayeq Ghawamiz al-Tanzil wa Oyounalaqawil fi Vojuh al-Ta'vil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
79. Zaylaei, O. (1934). *Tabyin al-Haqayeq Sharh Kanz al-Daqayeq* (1st Ed). Cairo: Matba'at al-Amiriyat.
80. Sobhani, Tabrizi, J. (1997). *Nizam al-Qaza wa al-Shahadat fi al-Shariat al-Islamiat al-Ghora* (1st Ed). Qom: Imam Sadiq Institute.
81. Sabzawari, M.B. (1868). *Zakhirat al-Ma'ad* (1st Ed). (Lithography). Qom: Aal al-Beit Institute.
82. _____ (2002). *Kifayat al-Ahkam* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
83. Sirakhsi, M. (1993). *Almabsout*. Beirut: Dar al-Ma'rifat.
84. Soghdi, A. (1983). *Al-Natf fi al-Fatawa* (2nd Ed). Oman-Beirut: Dar al-Furqan - al-Risalat Institute.
85. Samarqandi, N. (2007). *Oyoun al-Masail* (1st Ed). Baghdad: Matba'at Asad.
86. Siravi, M. [Fazil Miqdad] (2005). *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Qor'an*. Tehran: Maktabat al-Mortazaviat.
87. Shoronbolali, H. (n.d.). *Hashiyat al-Shoronbolali*. Beirut: Dar al-Ihya al-Kutub al-Arabiyat.
88. Shellebi, A. (1934). *Hashiyat al-Shellebi* (1st Ed). Cairo: AL-Matba'at al-Amiriat.
89. Shahid Awal, M. (1996). *Al-Dorus al-Shareiat fi Fiqh al-Imamiat* (2nd Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
90. Shahid Thani, Z.D. (1989). *Al-Rouzat al-Bahiyat fi Sharh al-Lom'at al-Damishqiat* (1st Ed). Qom: Davari Publishing.
91. _____ (1992). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharayi' al-Islam* (1st Ed). Qom: Institute of Islamic Studies.
92. _____ (1981). *Rouz al-Janan fi Sharh al-Irshad al-Azhan* (1st Ed). Qom: Islamic Propaganda Office Publications.
93. Sheikhizadeh, A.R. (n.d.). *Majma' al-Anhar fi Sharh Multaqi al-Abhar*. Beirut: Dar al-Ihya Al-Terath al-Arabi.
94. Sheikh Tousi, M. (1986). *Al-Khilaf* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
95. Shirazi, M. (1986). *Al-Fiqh*. Beirut: Dar al-Olum.
96. Tabatabaie Borujerdi, S.H. *Nahayat al-Taqdir* (1st Ed) (n.d.). Qom.

www.SID.ir

Archive of SID

97. Tabatabaie Ha'eri, S.A. (1997). *Riaz al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bil Dala'il*. Qom: Aal al-Beit Institute.
98. Tabatabaie, S.A. (1991). *Riaz al-Masail fi Bayan al-Ahkam bil Dala'il*. Qom: Islamic Publishing Institute.
99. Tabatabaie Hakim, S.M. (2008). *Mostamsik al-Orvat al-Vothqa* (1st Ed). Beirut: Dar al-Ihya Al-Terath al-Arabi.
100. Tabatabaie Yazdi, M.K. (1999). *Al-Orvat al-wothqa*. Qom: Islamic Publishing Institute.
101. Amali, M. [Hor Amali]. (1982). *Wasa'il al-Shia ila Masa'il al-Shareiat*. Beirut: Dar al-Ihya Al-Terath al-Arabiat.
102. Allameh Helli, H. (1989). *Irshad al-Azhan ila Ahkam al-Iman* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
103. _____ (1999). *Tahrir al-Ahkam al-Shareiat ala Mazhab al-Imamiat* (1st Ed). Qom: Imam Sadiq Institute.
104. Omrani, Y. (2000). *Al-Bayan fi Mazhab Imam al-Shafiei* (1st Ed). Jeddah: Dar al-Minhaj.
105. Omira, A.B. (1994). *Hashyat al-Omira ala Sharh Al-Minhaj*. Beirut: Dar al-Fikr.
106. Eini, M. (1999). *Albanayat Sharh al-Hidayat* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
107. Fazil Lankarani, M. (1991). *Tafsil al-Shariyat fi Sharh al-Tahrir al-wasilat - Ijtihad wa Taqlid* (2nd Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
108. Fakhr Mohaqiqin Helli, M. (2008). *Izah al-Fawaid fi Sharh al-Moshkilat al-qawaid* (1st Ed). Qom: Ismailian Institute.
109. Qazi, A.Y.M. (1984). *Masa'il al-Feqhiyat min Kitab al-Riwayatin wa al-Wajhain* (1st Ed). Riyadh: Maktabat Al-Ma'arif.
110. Qarafi, A. (1995). *Alzakhirat* (1st Ed). Beirut: Dar al-gharb al-Islami.
111. Qulyoubi, A.S (1994). *Hashiyat al-Qolubi ala Sharh al-Minhaj*. Beirut: Dar al-Fikr.
112. Kasani, A. (1985). *Bada'ie al-Sana'ie fi Tartib al-Shara'ie* (2nd Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
113. Karami Moqadasi, M. (2004). *Dalil al-Talib li Neil al-Matalib* (1st Ed). Riyadh: Dar al-tayabat.
114. Koluthani, M. (2004). *Al-Hidayat ila mazhab al-Imam Ahmad* (1st Ed). **(**n.d.). Gharas Institute.

www.SID.ir

Archive of SID

115. Kousaj, I. (2004). *Masa'il al-Imam Ahmad bin Hanbal wa Issac bin Rahwiat* (1st Ed). Medina: Imadat al-Bahth al-Elmi, al-jami'at al-islamiat bil Medina.
116. Mawardi, A. (1998). *Al-Hawi al-Kabir* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
117. Mahalli, J.D. (1994). *Sharh al-Minhaj al-Talibin*. Beirut: Dar al-Fikr.
118. Mawardi, A. (n.d.). *Al-ansaf fi Ma'rifat al-Rajih min al-Khilaf* (2nd Ed). Beirut: Dar al-Ihya Al-Terath al-Arabi.
119. _____ (2003). *Tashih al-Forou'* (1st Ed). Beirut: Al-Risalat Institute.
120. _____ (n.d.). *Al-Hidayat fi Sharh al-Bidayat Mobtadi*. Beirut: Dar al-Ihya Al-Terath al-Arabi.
121. Muzni, I. (1989). *Mokhtasar al-Muzni*. Beirut. Dar al-Ma'rifat.
122. Moqaddasi, A.R. (2003). *Al-odat Sharh al-Omdat*. Cairo: Dar al-Hadith
123. Moqaddasi, A.R. (1994). *Al-Sharh al-Kabir* (1st Ed). Cairo: Hijr.
124. Mullan Khusro, M. (n.d.). *Dorar al-Hokkam Sharh al-Ghorar al-Ahkam*. Beirut: Dar al-Ihya al-Kutub al-Arabiyat.
125. Minhaji Iswiti, M. (1996). *Jawahir al-oqud wa mo'ayan al-qaza wa al-Moqiain wa al-Shohud* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
126. Mo'min Qomi, M. (2001). *Tahrir al-wasilat Principles - al-Qaza wa al-Shahadat* (1st Ed). Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute.
127. Musavi Ardabili, S.A.K. (2002). *Fiqh al-Qaza* (2nd Ed). (n.d.). Qom.
128. Musavi Khomeini, R.A. [Imam Khomeini] (n.d.). *Tahrir al-wasilat*. Tehran: Islamic Scientific Bookstore.
129. Musavi Khoyi, S.A.Q. (1997). *Al-Taqnih fi Sharh al-Orwat al-wothqa* (1st Ed). Qom: Lotfi.
130. _____ (1990). *Fiqh al-Shia, Ijtihad wa Taqlid* (3rd Ed). Qom: Nowzohour Publishing.
131. Musavi Sabzavari, S.A.A. (1992). *Mohazzab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram* (4th Ed). Qom: Al-Minar Institute.
132. Musavi Qazvini, S.A. (1998). *Risalat fi Idalat* (1st Ed). Qom: Islamic Propagation Office.
133. Musavi Ameli, M. (1990). *Madarik al-Aham* (1st Ed). Beirut: Aal-al-Beit Institute al-Ihya Al-Terath.
134. Muwaq Maliki, M. (1995). *Al-taj wa iklil li Mukhtasar al-Khalil* (1st Ed). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyat.
135. Meidani, A.Gh. (n.d.). *Al-Bab fi Sharh al-Kitab* (1st Ed). Beirut: Maktabat al-Elmiyat.

www.SID.ir

Archive of SID

136. Najafi, M.H. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh al-qawaeid al-Islam* (7th Ed). Beirut: Dar al-Ihya Al-Terath al-Arabi.
137. Nowi, Y. (1991). *Rouzat al-Talibin wa omdat al-Moftin* (3rd Ed). Beirut-Damascus-Oman: al-Maktab al-Islami.
138. _____ (n.d.). *Al-Majmou' Sharh al-Mohazab*. Beirut: Dar al-Fikr
139. _____ (2004). *Minhaj al-Talibin wa Omdat al-Moftinin* (1st Ed). Beirut: Dar al-Fikr.
140. Hashimi Baghdadi, M. (1998). *Al-Irshad ila Sabil al-Rishad* (1st Ed). Beirut: Al-Risalat Institute.
141. Yousefi, I.M. [Fazil aabi] (1987). *Kashf al-Romuz fi Sharh al-Mokhtasar al-Nafi'*. Qom: Islamic Publishing Institute.

www.SID.ir